

اصول مالیه اسلامی و نگهبانی ارزش پول جناب آقای دکتر حیدر پوریان

مدیر گروه تحقیقات بانکی، موسسه تحقیقات پولی و بانکی
و دانشیار مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه

«باید با مسائل درست روبرو شد و از واقعیت
نگریخت و حقایق را پذیرفت و آنگاه چاره‌جویی کرد
و گرنه به جای گره‌گشایی رهسپر جاده‌های انحرافی
خواهیم شد.»

شهید آیت‌الله... محمدباقر صدر، اقتصاددان، ۱۹۸۰

قانون «پایه - بانکی»^۱ بدون ربای کشور در تاریخ مالی جهان منحصر به فرد است و با وضع
مقررات جدید «پایه - اوراق بهادار»^۲ موافق با اصول شریعت (نظیر اوراق مشارکت)، دو قطب اصلی
یک نظام مالی اسلامی در کشور پایه‌گذاری شده است. ولی در شناخت فلسفه، کاربرد و اجرای قوانین
و مقررات مربوطه، مشکلات متعددی به چشم می‌خورد. به علاوه، آمیزش تنگاتنگ بخش مالی
(بودجه) و پولی (عمدتاً نظام بانکی) موجب بروز مسائل برونزا برای نظام مالی اسلامی کشور می‌شود.
اقتصاد سیاسی کشور نیز این مسائل را پیچیده‌تر ساخته و لذا در چند سال اخیر ارزش پول ملی به
طور فزاینده‌ای کاهش یافته است.

هدف این پژوهش حفاظت و تقویت رسالت اسلامی نظام مالی کشور به ویژه در مقابله با کاهش
ارزش پول می‌باشد. این مقاله شامل تفسیری از ادبیات اقتصاد اسلامی خصوصاً از دیدگاه‌های

شهیدان بزرگوار محمدباقر صدر و استاد مرتضی مطهری با تلفیقی از ادبیات مدرن امور مالی می‌باشد که طی آن چند اصل مالی اسلامی نظیر اصول شریعت، عدالت، آزادی، مالکیت و عدم استفاده از حق ضرب و نشر پیشنهاد می‌گردند.*

مقاله شامل مطالب زیر خواهد بود: در بخش یکم اشاره‌ای به علل کاهش ارزش پول ملی از دیدگاه آمار خواهد شد. بخش دوم به طور خلاصه به بررسی موضوعی تورم و نشر پول در متون ادبیات اقتصاد اسلامی می‌پردازد. در بخش سوم نگاهی به فرضیه‌های اقتصاد سیاسی تورم خواهیم افکند. چند اصل مالی اسلامی (بانکی و اوراق بهادار) در بخش چهارم پیشنهاد گردیده و در بخش پایانی سیاست‌هایی در راستای تقویت و تکامل نظام مالی اسلامی کشور و نگرانی ارزش پول ارائه خواهد گردید.

۱. اشاره‌ای به علل کاهش ارزش پول ملی از دیدگاه آمار

اصولاً تورم به شدت با توسعه مغایر بوده و نامطلوب‌ترین نوع «مالیات» است که خصوصاً در کشورهایی که بازارهای پول و سرمایه «تحدید» شده^۱ و توسعه نیافته‌ای دارند ساختاری «تنازلی»^۲ پیدا نموده و لذا بر گروه‌های کم‌درآمد اثرات نامطلوب‌تری برجای می‌گذارد.^۳ از طرف دیگر، به خاطر اصل مشارکت^۴، نظام «تحدید شده» مالی به صورتی ماهوی با یک نظام مالی اسلامی مغایر است. به علاوه، خدمات بانکی در تعریف «کالای عمومی»^۵ ننگ‌جیده و نظام بانکی دولتی «هزینه‌های کارگزاری»^۶ به بار می‌آورد.

دلایل اصلی کاهش ارزش پول در کشورمان در چندساله اخیر عمدتاً شامل رشد گزاف حجم نقدینگی و افزایش سرعت گردش پول بوده است. از دیدگاه نظری نیز رشد نقدینگی خود شامل افزایش ضریب تکاثر و افزایش حجم پایه پولی بوده است که پدیده اخیر عمدتاً به خاطر افزایش بدهی‌های دولت و بخش عمومی صورت گرفته است. سایر عوامل را می‌توان شامل سیکل رونق اقتصادی در دوره اجرای (ناتمام) سیاست‌های تعدیل و گسترش (بیش از حد) برنامه‌های عمرانی و اجتماعی، عدم افزایش بهره‌وری و نسبت بیش از حد «کالاهای غیرمبادله‌ای»^۷ در تولید ناخالص ملی

#. Seigniorage

۱- Repressed Financial System. برای تعریف این سیستم، رجوع شود به: World Bank, 1989.

۲- Regressive

۳ International Monetary Fund Working Paper, WP/95/86, 1995

۴ Profit - Loss Sharing (PLS) - Public Good - ۵

۶ Agency Costs - ۷ Non Tradeable Goods

در بلندمدت، کنترل قیمت‌ها برای «تثبیت» آنها نیز احتمالاً باعث جهش قیمت‌های آتی خواهد شد چون احتمال وقوع یک نوع عجله برای «رسید»^۲ به قیمت‌های واقعی‌تر پس از توقف سیاست کنترل قیمت‌ها وجود خواهد داشت. از طرف دیگر، دلیل اصلی کاهش ارزش پول پدیده‌ای نیست که با اجرای قانون تعزیرات بتوان آن را رفع نمود.

در میان عوامل مرتبط، بدهی‌های دولت افزایش چشم‌گیری نشان می‌دهد. نسبت بدهی‌های بخش دولتی به بدهی‌های بخش غیردولتی از ۹۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۰۷ درصد در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است. از طرف دیگر، نسبت بدهی‌های شرکت‌های دولتی به بدهی‌های بخش غیردولتی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۷۳ رشد نموده است. شایان ذکر است که در حال حاضر بدهی‌های بخش دولتی و عمومی قریب به ۳۰ درصد دارائی‌های نظام بانکی کشور و در حدود ۶۸ درصد دارائی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند.

به علاوه، با نشر پول و ایجاد تورم در سال ۱۳۷۴، دولت ۱۸,۸۸۷ میلیارد ریال «مالیات تورمی»^۳ از جامعه اخذ کرده و در ضمن ۱۵,۳۳۳ میلیارد ریال از «حق ضرب و نشر» استفاده نموده است (در حالی که کسر بودجه در این سال تخمیناً برابر با ۱۱۰ میلیارد ریال بوده است).^۴ نمونه‌ای از عملکرد کنونی اهداف پولی و نرخ تورم از دیدگاه قانون برنامه دوم توسعه در جدول شماره ۱ آورده شده است.

۲. اشاره‌ای به موضوع تورم و نشر پول در متون ادبیات اقتصاد اسلامی

به تدریج در دهه اخیر، متون جدید ادبیات بانکداری اسلامی به مساله تورم اهمیت داده و محققین مواضع روشنی گرفته‌اند. یکی از صاحب‌نظران کشورمان عنوان نموده است که «بانک حق دارد جبران کاهش قدرت پول را از مشتریان خود (که تسهیلات اخذ نموده‌اند) مطالبه کند.» وی اضافه می‌کند که «این پیشنهاد با نظر عده‌ای از افق‌ها و صاحب نظران حوزه سازگار است اما بعضی از مراجع با

۱- مطالعات اخیر صندوق بین‌الملل پول نشان می‌دهد که در دهه اخیر بسیاری از کشورها برنامه‌های اجتماعی خود را به طور بی‌سابقه‌ای بسط داده و لذا کسری بودجه گزافی را تجربه نموده‌اند (IMF WP/95/128)

۲- Inflation Tax

۳- Catch Up

۴- قابل توجه است که اکثر کشورها از «حق ضرب و نشر» استفاده می‌نمایند. به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی در یک دوره ده ساله (۸۵-۱۹۷۵)، آلمان ۳/۹ درصد، هندوستان ۱۵ درصد، برزیل ۱۸ درصد، ترکیه ۲۴ درصد، ایتالیا ۲۸ درصد و کشور بولیوی ۱۴۰ درصد. می‌توان تخمین زد که در سال ۱۳۷۴ این نسبت برای کشورمان در حدود ۲۸ درصد بوده است.

آن موافق نیستند و این نظر احتیاج به کار بیشتری دارد.^۱

جدول شماره ۱

هدف پولی و تورم در برنامه با برآورد وضعیت کنونی

اقدام پولی و تورم	هدف قانون برنامه دوم (پایان سال ۱۳۷۸)	برآورد وضعیت کنونی	مقطع یا دوره زمانی برآورد
خالص بدهی های دولت (بدون بخش عمومی)	۲۲,۸۸۳	۲۴,۰۰۰	۱۳۷۴/۱۲/۲۹
حجم نقدینگی	۹۶,۸۴۵	۹۸,۰۰۰	۱۳۷۵/۶/۳۰
جمع تورم ۵ ساله در مقایسه با جمع تورم ۱/۵ ساله	۶۲/۵	۶۲/۵	۱۳۷۴/۱/۱ تا ۱۳۷۵/۶/۳۰

یادداشت: واحد بدهی های دولت و حجم نقدینگی به میلیارد ریال و تورم به درصد می باشد. برآورد وضعیت کنونی توسط نویسنده صورت گرفته و لذا هرگونه خطا از آن نویسنده است.

یکی دیگر از اساتید فن نیز عنوان می کند که «حفظ ارزش پول از مسئولیتهای قطعی حکومت اسلامی است». وی اضافه می کند که به استناد آیه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»... دولت اسلامی نباید بر هم زنده شرایط اجرای عادلانه عقود باشد و میزان و وسیله مبادله را از ثبات ارزش بیندازد.^۲ یکی از دانشمندان بین المللی به نام دیگر در اقتصاد اسلامی جمع بندی نموده است که «غیر واقعی خواهد بود اگر دولت اسلامی صحبت از اسلامی شدن نماید بدون آنکه یک تصمیم جدی برای کاهش کسر بودجه به عمل آورد».^۳

البته نظرات دیگری نیز در مورد تورم و نشر پول وجود دارد. به عنوان نمونه، «فهیم خان» نوشته

۱- حجت الاسلام والمسلمین مصباحی، ۱۳۷۱. ۲- صادقی تهرانی، ۱۳۷۱.

است که «به عنوان یک اصل، نشر پول برای دولت اسلامی جایز است به شرط آنکه مزایای نشر پول مضار حاصل از آنرا بپوشاند»^۱ ولی بدون شک مضار تورم در یک نظام مالی تحدید شده آنقدر گزاف است که منافع آن نمی تواند جبران کننده مضار آن باشد. از طرف دیگر، دولتها همیشه می توانند از نشر اوراق بهادار برای جبران کسر بودجه و تامین مالی طرح های عمرانی استفاده نمایند و ملزم به نشر پول (یا افزایش بدهی های خود به نظام بانکی) نمی باشند. به علاوه، عدم بازپرداخت بدهی ها توسط متولی نظام بانکی (دولت) و نشر پول حاصله به نظر این نویسنده ماهیتاً با اصول بانکداری اسلامی مغایرت دارد که ذیلاً آورده خواهد شد.

۳. نگاهی به فرضیه های اقتصاد سیاسی تورم و علل نشر پول

چرا با توجه به معضلات متعدد تورم، دولتها به نشر پول (از طریق افزایش بدهی های خود) متوسل می شوند؟ برای تشریح موجودیت تورم، ادبیات جدید، از جمله تحقیقات صندوق بین المللی پول،^۲ بیشتر به «اقتصاد سیاسی» متول می شوند. لذا فرضیه های مختلفی برای استمرار کسری بودجه و نشر پول از دیدگاه این متدولوژی می توان ذکر نمود که ذیلاً با تفکراتی از این نویسنده به آنها اشاره ای خواهد شد.

۱- فرضیه توزیع زمانی و بین نسلی درآمد (از فردا به امروز)

(Intertemporal Intergenerational Redistribution)

احتمال دارد دولتهائی که افق برنامه ریزی آنها کوتاه است و به «نزدیک بینی»^۳ عادت دارند، با ایجاد کسری بودجه گزاف، منابع آتی بیشتری را در حال حاضر مصرف کنند.

با آنکه منافع دفع وقایع ناگواری مانند جنگها و تحریم ها را نیز می بایست در نظر گرفت، نشر پول در موقعیتهای عادی (فرضاً برای تامین مالی طرح های عمرانی) و تورم حاصله در یک نظام تحدید شده مالی، چنان گزاف است که در هیچ آزمون «هزینه - فایده» پذیرفته نخواهد شد.

۲- عدم کسب اکثریت قاطع

دولتهائی که اکثریت قاطع آرا را در دست نداشته باشند به صورت مشکل تری می توانند کسری بودجه را کاهش دهند.^۴ با آنکه مشارکتهای مختلف سیاسی به خودی خود ممکن است مطلوب باشد

از دیدگاهی دیگر می‌تواند چشم‌انداز نامطلوب‌تری از جهت انضباطی پولی/مالی و کاهش کسر بودجه به وجود آورد.

۳. فرضیه سیاستمداران فرصت‌طلب و رای عوام

(Opportunistic Policy Makers and Naive Voters)

غالباً قبل از انتخاب در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود که کسری بودجه افزایش می‌یابد و مخارج جاری (از جمله افزایش حقوقها) با قربانی کردن مخارج عمرانی افزایش می‌یابد. لذا قبل از انتخابات نشر پول افزایش می‌یابد و ظاهراً به خاطر عدم «تقارن در اطلاعات»^۱ رای دهندگان با عدم اطلاع از کسری بودجه و رونق موفق در اقتصاد «گول» می‌خورند.^۲

۴- فرضیه اعمال نفوذ بر سیاستهای آتی و خرابکاری موضع دولت (رقیب) بعدی. ممکن است دولتی بیشتر معتقد به «دفاع» باشد تا «رفاه» (یا برعکس). لذا با کسری بودجه بالا که حاصل از هزینه‌های بالای «دفاعی» در زمان اقتدار خویش است، منابع (واقعی) کمتری برای نیل به اهداف «رفاهی» در اختیار دولت بعدی قرار دهد.

۵- فرضیه تضاد منافع بین گروه‌های ذینفع (Political Conflicts of Interest Groups) و فرضیه گروه‌های فشار منطقه‌ای (Geographically Dispersed Interest Groups) احتمال دارد هر یک از گروه‌های ذینفع از جمله منطقه‌ای، سهمی از منابع محدود بخواهند که با کمک استمرار در کسری بودجه تحقق یابد.

۶- فرضیه اجتماعی کردن بار درآمدهای دولت و هراس از وارد نمودن فشار مالیاتی بیش از حد به گروه خاص.

ممکن است در موقعیتهای خاص، برخی از سیاستمداران تورم را «اجتماعی‌ترین» نوع مشارکت در تامین مالی نیازمندیهای دولتی تلقی کنند.

۷- فرضیه به حداقل رساندن فرار از مالیات و اجتناب از «سفر مجانی»^۳ توسط مؤدیان مالیاتی. احتمال دارد از دیدگاه برخی از سیاستمداران، فرار از مالیات بر درآمد سهل‌تر از فرار از مالیات تورمی باشد و لذا روش اخیر ترجیح داده شود.

۱- Asymmetric Information

۲- این واقعیت یکی از انتقاداتی است که به ریچارد نیکسون در سال ۱۹۷۲ وارد شد (با آنکه بانک مرکزی آمریکا به ظاهر مستقل است). و لذا فرضیات بالا که اکثراً از صندوق بین‌المللی پول می‌باشد را نمی‌توان در انحصار کشورهای در حال توسعه قلمداد نمود.

۳- Free Ridership

۴- پیشنهاد چند اصل مالیه اسلامی

کاربرد فلسفه اقتصاد والای اسلامی و نگرهبانی ارزش پول، مستلزم پایه گذاری اصول مرتبط می باشد. خوشبختانه چند تن از پیش کسوتان این مکتب خصوصاً شهید صدر و استاد مطهری برخی از این اصول را پایه گذاری نموده اند که چند اصل دیگر نیز به تفکرات آنان توسط این نویسنده با برداشتی که از مالیه اسلامی و ادبیات مربوطه از جمله عدم کسری بودجه سالیانه در زمان حضرت رسول (ص) دارد. ذیلاً جهت بحث بیشتر میان اساتید حوزه و دانشگاه و دست اندرکاران اضافه می گردد.

۱. اصل شریعت

طبق این اصل، بین سپرده های بانکی (که نباید ثابت باشد) و بازده مشاع بانکی (به صورت Ex ante -) لازم است یک همبستگی مستقیم وجود داشته باشد.

$$R_D = f(R_L)$$

$$d R_D > 0$$

$$d R_L$$

که R_D سود سپرده ها (منابع) و R_L سود حاصل از اعطای تسهیلات (مصارف) تعریف شده اند.

۲. اصل عدالت

بدین مفهوم که سود اسمی سپرده های دریافتی از مردم (از جمله گروه های کم درآمد) می باید متضمن عامل تورم نیز باشد^۱

$$NRD = RRD + P^0$$

که NRD عبارتست از نرخ اسمی، RRD نرخ واقعی حاصل از سپرده گذاری بانکی و P^0 آنچه مربوط به عامل تورم می شود.^۲

۳. اصل انضباط مالی

بدین مفهوم که به رعایت اصول بانکداری اسلامی استفاده دولت از منابع مشاع بانکی، می باید بر انضباط و بازده حاصل از مصارف منابع بانکی مبتنی باشد.

۱. Inflation Premium

۲- تفکر رابطه بین صرف تورم و نرخ اسمی بازار از آن «فیشر» Irving Fisher است. ولی به خاطر اصل مشارکت Profit and Loss Sharing Pls در مالیه اسلامی به نظر نویسنده می بایست آنرا جزو رفتار بانکی (نه تنها بازار) قلمداد نمود.

$$NRGD = [GDP(t) - GDP(t-1)] / GDP(t-1)$$

که در آن NRGD نرخ اسمی بدهی‌های دولت (و بنگاه‌های دولتی) و GDP تولید ناخالص داخلی اسمی است.

۴. اصل آزادی مالی (در چارچوب معین)

نظام بانکی اسلامی یک نظام «تحدید شده مالی» نبوده و به خاطر اصل مشارکت PLS ماهیتاً با آن مغایر است. لذا تورم به علاوه کنترل بیش از حد در نظام مالی (که نظام تحدید شده را تعریف می‌کند) اصولاً با اقتصاد و مالیه اسلامی تضاد دارد.

۵. اصل (تلفیق) مخاطره و بازده

در یک نظام تکامل یافته مالی اسلامی، سپرده‌گذاران می‌باید حتی‌الامکان حق انتخاب آنچه را که «مخاطره» (ریسک) منابعشان مربوط می‌شود^۱ داشته باشند. به عبارت دیگر به عنوان «یک مجموعه الحاقی»^۲، تقاضا برای سپرده‌های بانکی تابع بازده و ریسک در نظام بانکداری اسلامی می‌باشد.

$$D_D = f(r_D, \sigma_D, \mu)$$

که D_D = تقاضا برای سپرده‌های بانکی، σ = ریسک آنها و μ سایر عوامل هستند.^۳

۶. اصل مالکیت

خدمات بانکی در تعریف «کالای عمومی» نگنجانده و نظام بانکی اسلامی لزوماً تحت مالکیت عمومی نمی‌باشد. ضمناً دولتی بودن و انحصار عظیمی که در حال حاضر در نظام بانکی کشور وجود دارد بر تجهیز و تشخیص کارآی منابع که جزء بسیار مهمی از فلسفه نظام مالی اسلامی است اثر منفی به جای می‌گذارد.

۷. اصل مسئولیت پذیری کارگزاری ولایت و «هزینه کارگزاری»^۴ صفر

در متون اقتصاد اسلامی، استاد مطهری وظیفه اصلی کارگزاران ولایت را ایجاد و حفظ عدالت

۳- قابل توجه است که شهید صدر وجود «ریسک» در اقتصاد اسلامی را نمی‌پذیرد. به نظر ما می‌توان ریسک را در معاملاتی مساوی صفر قرار داد، ولی نمی‌توان به صورتی جامع وجود آنرا انکار کرد. وگرنه «مشارکت در سود و زیان» که جزو اولین اصول اقتصاد اسلامی است. معنائی نخواهد داشت.

تفسیر نموده است. ولی قبل از اجرا و گسترش عدالت در نظام مالی و اقتصادی یک جامعه، مسئولیت پذیری شامل «مسئولیت مالی»^۱ و عدم اتلاف منابع مالی نماینده یک پیش شرط است. به علاوه هزینه کارگزاری ولایت صفر است. به عبارت دیگر:

$$VAC = 0$$

که VAC «هزینه کارگزاری ولایت» است.

۸. اصل عدم اخذ «مالیات تورمی» Inflation Tax

«مالیات تورمی» را می توان به صورت زیر تعریف نمود:

$$IT(t) = \{[P(t) - P(t-1)] / P(t)\} * [M(t) / P(t)]$$

به عبارت دیگر، مالیات تورمی برابر با درصدی از «مانده واقعی پول»^۲ نزد جامعه است. ولی در یک نظام مالی اسلامی مالیات تورمی برابر یا نزدیک به صفر است:

به علاوه، چون یکی از اصول پذیرفته شده وظایف دولت اسلامی ایجاد ثبات اقتصادی است، ایجاد تورم مغایر با این فلسفه می باشد.^۳

۹. اصل عدم استفاده از «حق ضرب و نشر»

بنابر تعریفی، حق ضرب و نشر برابر است با:

$$SE = \{[M(t) - M(t-1)] / M(t)\} * [M(t) / P(t)]$$

به قول صاحب نظران، حق ضرب و نشر یکی از منحرف ترین نوع مالیات است ولی:

$$SE = 0$$

به عبارت دیگر، در یک اقتصاد اسلامی لازم است حق ضرب و نشر به حداقل (ترجیحاً به صفر) برسد.^۴

۵. اشاره به سیاست‌های جهت تقویت نظام مالی اسلامی کشور

و نگرانی ارزش پول

موضوع کاهش ارزش پول ملی یک مسئله درونی نظام بانکداری اسلامی نبوده و عمدتاً آنرا می بایست یک مسأله بیرونی^۵ به شمار آورد. یک نظام بانکداری اسلامی نسبت به یک سیستم ربوی

۱. Fiscal Responsibility ۲. Real Balances

۳- رجوع شود به Mohsen Khan and Mirakhor, 1994

۴- برای تعاریفی از «مالیات تورمی» و «ضارب» رجوع شود به: Sachs and Larrain, 1993. قابل توجه است که یکی از برنده گان جایزه نوبل در اقتصاد نیز نشر پول را به خاطر غیر مؤثر نمودن اقتصاد، توزیع درآمد به صورت اتفاقی، و منحرف نمودن قیمت‌ها بسیار مردود می داند. رجوع کنید به: Maurice Allais, 1993.

۵- External

«مؤثرتر»^۱ است از جهت که به خاطر اصل مشارکت و عدم وجود بهره ثابت، نرخهای بانکداری اسلامی بیشتر منعکس کننده آخرین اطلاعات اقتصادی/اجتماعی می باشند. از طرف دیگر تورم که جزئی از نظم تحدید شده مالی است باعث می شود که درآمدهای واقعی ثابت (خصوصاً مزد) کاهش یابد و اگر بازده بر پس انداز این گروه ها افزایش نیابد و به علاوه (به علت کمبود منابع) دسترسی به اعتبارات بانکی نداشته باشند، نتیجه حاصله نوعی مالیات «تنازلی» است که بیشترین فشار را بر روی اقشار کم درآمدوار می کند. با توجه به نتایج این مقاله، سیاستهایی را می توان در جهت تقویت و تکامل بانکداری اسلامی کشور خصوصاً از دیدگاه حفظ ارزش پول برای بحث ارائه نمود. این اصول شامل موارد ذیل می گردند: ۱. رعایت انضباط مالی توسط دولت و بنگاه های دولتی.

۲. تعیین سقف بدهی های دولتی و بنگاه های بخش عمومی به نظام بانکی توسط مجلس و نظارت بر عملکرد.

۳. جایگزین نمودن «اصل تعال بودجه» در قانون اساسی.^۲

۴. اجرای تدریجی بانکداری اسلامی در کشور با توجه به فلسفه مشارکت و اصول فوق الذکر (احتمالاً توسط یک بانک کوچکتر یا موسسات مالی و اعتباری خصوصی).

۵. ایجاد «گیشه های سپرده»^۳ مختلف در بانکها با بازده های انتظاری و ریسکهای متفاوت (فرضاً در صنایع غذایی در مقایسه با صنایع با تکنولوژی بالا).

۶. ایجاد یک «کمیته شریعت» برای هدایت نظام بانکی.^۴

۷. ابداع روشهایی (فرضاً برای انتخاب مدیران عامل) برای تفکیک منافع بین بانکها و دولت.

۸. خصوصی سازی و آزادسازی در نظام مالی کشور.

۹. بررسی نگهداری ۱۰۰ درصد ذخایر قانونی در مقابل سپرده های بانکی.

۱۰. به حداقل رساندن «مالیات تورمی» و «تضارب».^۵

۱۱. گزینش مدیران ولایت فقیه که متعهداً «هزینه نمایندگی» را به صفر تنزل دهند.

۱۲. حذف توریجی نظام مالی «تحدید شده» منطبق با اقتصاد والای اسلامی.

والسلام علیکم ورحمة... وبرکاته

۲- Balanced Budget Amendment

۱- Efficient

۳- Deposit Windows

۴- قابل توجه است که در کشور پاکستان این هیأت به وجود آمده و تا حدی موفق بوده است. ولی به نظر می رسد که اخیراً (به علل دیگری) این کشور در گسترده تر نمودن بانکداری اسلامی خود پیشرفتی نداشته است.

۵- به اعتقاد یکی از دانشمندان مالیه اسلامی، مسأله «حق ضرب و نشر» یکی از مسائل حل نشده بانکداری اسلامی است. رجوع شود به: Ziauddin Ahmad, 1994

مراجع

- صدر، شهید آیت ا.... محمدباقر، اقتصادنا، ۱۹۸۰.
- مطهری، شهید آیت ا.... مرتضی، مسئله ربا با ضمیمه بیمه، چاپ پنجم ۱۳۷۲.
- مصباحی، حجت السلام والمسلمین غلامرضا، پاره‌ای از مشکلات بانکداری بدون ربا، سومین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۱.
- صادقی تهرانی، علی، عملیات بانکی بدون ربا از دیدگاه فقهی و یا بانکداری اسلامی؟ سومین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۱.
- پوریان، حیدر، رسالت اسلامی نظام بانکی کشور، پنجمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۳.
- Allais, Maurice, The Monetary Conditions of an Economy of Markets, Noble Prize Winner in Economics: Eminent Scholars, Lecture Series, NO. 1, Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia, 1993.
- Chapra, M. Umer, Islam and Economic Development, International Institute of Islamic Thought and Islamic Research Institute, Islamabad, Pakistan, 1993.
- Fahim Khan, M., Human Resource Mobilization through the Profit Loss Sharing Based Financial System, Third Annual Islamic Banking, Tehran, 1371.
- Islamic Economics: Contemporary Ulama Perspective: Mohammad Baqer Sadr and Ayatullah Sayyid Mahmud Taleghani, Kuala Lumpur Malaysia, 1991.
- Iqbal, Z. and Mirakhor, A. Islamic Banking, IMF, Washington, D.C., 1987.
- Roubini, N. and Sachs, J., Government Spending and Budget Deficits in the Industrial Economies, Economic Policy, Spring 1989.
- Sachs, J.D. and Larraín, F.B., Macroeconomics in the Global Economy, Prentice Hall, New Jersey, 1993.
- World Bank, World Development Report, 1989.
- Ziauddin Ahmad, Islamic Banking: State of the Art. IDB Prize Winners' Lecture Series, No. 2, Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia, 1994.